

## نقش رجاء در تربیت دینی نسل جوان

### با تکیه بر نهج البلاغه

سیده نرگس سقایی<sup>3</sup>، افسانه ترکشوند<sup>4</sup>

#### چکیده

«رجاء» به معنای انتظار امری محبوب و پسندیده است که بیشتر اسباب آن محقق باشد. این موضوع در آیات و روایات مورد توجه بوده و به جزئیات آن پرداخته شده است. از آنجایی که پژوهش‌های انجام شده در مورد امید و انتظار امر مطلوب بیشتر جنبه روانشناسی داشته و به رویکرد تربیتی، معنوی و دینی آن توجهی نشده است، هدف اصلی نوشتار حاضر پرداختن به این مسئله از منظر نهج البلاغه و بررسی نقش آن در تربیت دینی جوانان است که به برشمردن دستاوردهایی همچون توبه و دوری از گناه، فعالیت هدفمند، احساس بی‌نیازی از خلق، آرامش و آینده‌نگری می‌انجامد.

**کلیدواژه‌گان:** تربیت دینی، جوان، رجاء، نهج البلاغه

---

3. دانش‌آموخته سطح دو حوزه علمیه تویسرکان (نویسنده مسئول)؛ [saghainarges@gmail.com](mailto:saghainarges@gmail.com)

4. مدرس حوزه علمیه کوثر (س) و استاد دانشگاه

## مقدمه

معارف اخلاقی از گسترده‌ترین آموزهای دین اسلام است که علاوه بر جنبه دستوری، بیشتر دارای جنبه تربیتی بوده و می‌توان آن را به‌طور ویژه در تربیت دینی نسل جوان به‌صورت یک برنامه مدون و منظم به کار بست. زیرا همان‌طور که دوران جوانی منشاء تجلی عواطف روحی و بالندگی است، در معرض فتنه‌ها و آسیب‌های فردی و اجتماعی نیز قرار دارد. بر این اساس، غفلت از تربیت دینی و هدایت نسل جوان، موجب خسران در آینده خواهد شد. یکی از این ابعاد ارزشمند تربیتی، مسئله خوف و رجاء در آموزه‌های دینی است که با کمی دقت در معارف آن می‌توان یک برنامه کارآمد تربیت دینی برای جوانان طراحی و اجرا نمود؛ چنانکه پیامبران و انبیای الهی بارها از این روش برای تربیت همگان سود جستند. امید به خداوند به زندگی انسان معنا و مفهوم می‌بخشد و هنگام هجوم مشکلات و سختی‌ها، از فروپاشی روانی آن جلوگیری می‌کند. در زمینه امید، بیشتر به جنبه روان‌شناسی آن توجه شده و کمتر با رویکرد دینی و تربیتی به آن پرداخته شده است. ما برآنیم تا در نوشتار حاضر به این مسئله و نقش آن در تربیت دینی نسل جوان از دیدگاه نهج البلاغه بپردازیم. برخی ناامیدی را یک حالات هیجانی منفی در انسان می‌دانند که عدم اعتقاد به خدا، وسوسه‌های شیطانی، امیدهای دروغین و ... سبب پدید آمدن آن می‌شود. از جمله راهکارهایی که حضرت علی (ع) برای مقابله با ناامیدی بیان می‌فرماید، صبر، توکل بر خدا، نماز، نیایش و خوش‌بینی است (قائمی و همکاران، 1395). برخی رجاء را عاملی حیاتی در زندگی انسان می‌دانند که با تأکید قرآن بر صفات رحمان و رحیم، می‌تواند امید را دل انسان زنده نگه دارد (نائمی و علمی، 1395). در این پژوهش به دنبال آن هستیم تا به سوالات زیر پاسخ دهیم:

- معنا و مفهوم رجاء چیست؟
- اقسام رجاء و نقش آن در زندگی چگونه است؟

- رجاء در تربیت دینی نسل جوان چه نقشی دارد؟

## مفهوم‌شناسی

### 1- جوان

در زبان فارسی «جوان» به معنای «برنا و هر چیز که از عمر آن چندان نگذشته باشد» است (دهخدا، 1377: 5/ 135). در زبان عربی دو تعبیر رایج در مورد جوان وجود دارد: «الشَّبَاب» از ریشه «شَبَبَ» است که ابن فارس در این مورد می‌گوید: «الشباب، ریشه آن «شب» و الشین و الباء اصل واحدی است که دلالت بر نمو و رشد چیزی همراه با قوت و حرارتی که به موجب آن رشد است دارد (ابن فارس، 1404ق: 1/ 48). در نهج البلاغه نیز از این واژه برای اشاره به جوان استفاده شده است (آذربایجانی و شجاعی، 1397: 130). معنای دیگر «الفتی» از ریشه «فَتَى»، «فَتَوَ» می‌باشد و ابن فارس در خصوص آن بیان می‌کند: «الفتی، ریشه آن الفاء و التاء است که دلالت بر طراوت، شادابی و نیکویی می‌کند و الفتاء مصدر «الفتی السن» به معنای جوانی می‌باشد (ابن منظور، 1414ق: 15/ 674). لذا هر دو معنا (دلالت بر طراوت و شادابی و دلالت بر رشد همراه با طراوت) از ویژگی‌های بارز جوانی است و هر فردی که این دو ویژگی را داشته باشد به او جوان گفته می‌شود و این در حالی است که قرآن مجید از آن به عنوان «بلوغ حلم» یاد می‌کند (نور/ 59).

### 2- تربیت دینی

«تربیت» در زبان عربی از ریشه «ربو» یا «ریب» به معنای رشد کردن و زیاد شدن است (ابن منظور، 1414ق: 15/ 119). در زبان فارسی به معنای «پرورش دادن و به فعلیت درآوردن استعدادهای درونی، در شیء نهفته» است (مطهری، 1357: 21) و یا «ایجاد تغییرات مطلوب و تحولات ثمربخش در محیط زندگی به منظور ساختن و شکفتن استعدادهای انسان» است (قائمی، 1373: 101). برخی تربیت دینی را این‌گونه تعریف

کرده‌اند: «فراهم آوردن شکوفایی فطرت توحیدی انسان و تجلی آن» (ابوطالبی، 1388: 23). اما معنایی که مورد پذیرش همگان است، این است که تربیت دینی عبارت است از: «اعمال عمدی و هدف‌دار به منظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین به افراد دیگر به‌نحوی که آن افراد در عمل و نظر، به آن آموزه‌ها متعهد و پایبند گردند» (داوودی، 1384: 17).

### 3- رجاء

رجاء از ریشه «رَجَو» به‌معنای «انتظار چیزی دوست داشتنی و خوشایند است که علم یا گمان به فراهم بودن اسباب آن باشد» (راغب اصفهانی، 1412ق: 346). پس هرگاه اسباب آن فراهم باشد چنین انتظاری «تمنی» و «آرزو» است و اگر فراهم نباشد چنین انتظاری را «غرور» و «حماقت» است (مهیار، بی‌تا: 875) و در اصطلاح به‌معنای راحتی و لذتی که انتظار تحقق امری، محبوب در دل حاصل شود و راحتی قلب زمانی است که آدمی بسیاری از اسباب رسیدن به محبوب را فراهم آورد و گرنه توقع چیزی بدون اسباب آن رجاء نیست (نائمی و علمی، 1395: 156).

برخی از واژه‌ها با رجاء و معنای آن در ارتباطند عبارتند از:

- **طمع**: طمع را برخی به‌معنای امید (ابن منظور، 1414ق: 8/239) و برخی به‌معنای اشتیاق نفس به چیزی از روی رغبت شدید گرفته‌اند (راغب اصفهانی، 1412ق: 526) که در این صورت طمع به معنای امید شدید است. طبق آنچه که در کتب لغت آمده است اکثر موارد استعمال این واژه زمانی است که فرد امید زیادی برای رسیدن به امید خود داشته باشد.

- **أمل**: برخی این واژه را به‌معنای رجاء می‌دانند (فراهیدی، 1410ق: 8/374) و برخی به‌معنای آرزوهای دور می‌دانند (مصطفوی، 1360: 2/148) و برخی به‌معنای آخرین آرزو (ابن منظور، 1414ق: 11/28). پس می‌توان گفت أمل نوعی خاص از امید است.

- **المُنَى**: عبارت است از میل به حصول امری همراه با تقدیر و اندازه‌گیری آن (خاری

آرانی، 1394: 140).

**- انتظار:** یعنی توقع و ترقب. انتظار قدر مشترک حالت یقین، رجاء و امل است. انسان در هر یک از این حالات منتظر است (آخوندی، 1387: 140).

از میان واژه‌های فوق تنها رجاء است که فرد امیدوار در رسیدن به امیدش تلاش می‌کند و موجبات رسیدن به امر محبوب را دارد، بدون اینکه خود را برای حصول آن مهیا نماید. از تمامی مطالب بیان شده به خوبی برمی‌آید که رجاء به معنای امید می‌باشد، اما آنچه مد نظر ماست امید به خداوند است و بهترین مطلب یاد شده در این زمینه، کلام راغب اصفهانی می‌باشد؛ زیرا رجاء، انتظار چیزی دوست‌داشتنی است که علم یا گمان به فراهم بودن اسباب آن فراهم باشد، در حالی که ما نسبت به سبب امید خود که همان وجود مطلق خداوند است علم داریم. در نتیجه می‌توان گفت امیدواری حالتی نفسانی است که انسان در آن به اموری که انتظارش را دارد دل بستگی پیدا می‌کند، در حالی که بیشتر وسایل و اسباب آن فراهم شده باشد.

### ضرورت و اهمیت تربیت دینی برای جوانان

تربیت دینی جوانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا اخلاق فاسد و عادت‌های غلط، در رفتار جوان کمتر است و به راحتی قابل تغییر می‌باشد (بنایی، 1382: 175) و از طرفی اراده و توان جوان در مخالفت با امیال و تمایلات نفس بالاست؛ چنانکه حضرت علی (ع) در خصوص تأثیر بی‌نظیر تربیت در جوانی می‌فرماید: «أَنَّما الْقَلْبُ الْحَدَثُ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ ما أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ مِنْ قَبْلَتَهُ؛ دل جوان مانند زمین ناکشته است؛ هر چه در آن افکند بپذیرد» (نهج البلاغه، نامه 31، ص 522). همانطور که هرکس زمین مرده را آباد کند مالک آن خواهد شد، زمین خالی ذهن و دل را نیز هر کس با فکر و معارف دینی و الهی بارور سازد، مالک آن خواهد شد. از این رو اگر معارف دینی در جوانی تعلیم داده شود، دشمنان قادر به منحرف ساختن ذهن جوانان نخواهد شد. امام صادق (ع) در این زمینه می‌فرماید:

«بَادِرُوا أَحْدَاثَكُمْ بِالْحَدِيثِ أَنْ تَسِيْقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرْجَعَةُ؛ به آموختن حدیث به جوانانتان پیش از آنکه منحرفان آنان را گمراه کنند اقدام نمایید» (طوسی، 1410ق: 8 / 11)؛ چراکه که قلب جوان مانند ظرفی است که اگر در ابتدا امر آلوده و ناپاک در آن بریزند و جا بگیرد، دیگر برای امور پاک جایی نخواهد ماند (زهادت، 1387: 142). در این زمینه مسئولان هدایت و تربیت دینی باید پیش از هجوم دشمنان قلب‌های جوانان را در فرهنگ دینی احیا کنند که این امر از دو روش میسر می‌باشد:

**الف) روش اول** مربوط به خود جوان است؛ مانند عبادات که یکی از روش‌های تربیت دینی است و سبب تزکیه روح جوانان می‌شود و آسان‌ترین راه رسیدن به خداوند است. اما از آنجایی که جوانان به دلیل ویژگی‌های جوانی عادت به عبادت‌های طولانی ندارند باید در عبادت میان‌روی نمایند؛ چنانکه علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «قَلِيلٌ تَدْوُمٌ عَلَيْهِ، أَرْجَى مِنْ كَثِيرٍ مَعْلُولٍ مِنْهُ؛ عمل اندک که بر آن مداومت کنی، از عمل بسیار که از آن خسته شوی امیدوارکننده است» (نهج البلاغه، خطبه 287، ص 696).

**ب) روش دوم** مربوط به افرادی است که می‌خواهند انسان را تربیت و هدایت کنند. آنان از مسائل مختلفی در جذب جوانان به دین استفاده می‌کنند. یکی از مهمترین روش‌های یاد شده در تربیت دینی جوانان که رهبران و انبیاء به عنوان مربیان حقیقی و معلمان دلسوز بارها از آن بهره جسته‌اند و در قرآن مجید به آن اشاره شده است، مسئله خوف و رجاء یا انذار و تبشیر است (بقره / 232). البته این قابلیت در دوران جوانی بیشتر است؛ زیرا جوانی مدخل بزرگسالی و انسجام هویت است (لطف‌آبادی، 1376: 213) که در سرنوشت دنیوی و اخروی فرد نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و خداوند متعال در قرآن از آن با عنوان «بلوغ اشد» یاد کرده است (غافر / 67)؛ یعنی زمانی که نیروی بدنی انسان به حد کمال می‌رسد (علامه طباطبایی، 1386: 17 / 225)، جوان به دلیل اینکه آلودگی و ناپاکی در او کمتر است، تربیتش آسانتر است؛ چنانکه مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید: «جوانان دل‌های

پاک و نهاد باصفا و بی‌آلایشی دارند. آلودگی در آنان ریشه ندوانده است و به راحتی قابل علاج بوده و چون علف هرز به سادگی قابل کندن از دل و جان اوست. به همین جهت، پیمودن راه خدا و انس و ارتباط با رب العالمین و خودسازی برای او آسانتر است» (خامنه- ای، 1380: 44). لذا قبل از آنکه قلب پاک و گوش شنوای یک جوان از بین برود، باید دست به کار شد و او را با استفاده از انذار و تبشیر به راه راست و فضایل اخلاقی راهنمایی کرد. قرآن مجید پایان جوانی را رسیدن به سن چهل سالگی می‌داند (احقاف/ 15) و به این دلیل است که «بلوغ اشد» دوران تکامل رشد عقلی و جسمانی است که تلاش برای رسیدن به آن تا چهل سالگی میسر می‌باشد و در غیر این صورت دیگر امیدی به جوان برای کسب فضایل معنوی و رشد او وجود نخواهد داشت.

### اقسام امید و نقش آن در زندگی

امید و ناامیدی دو حالت روانی و از تفاوت‌های اساسی انسان و حیوان است که بدون آن ادامه زندگی مختل خواهد بود. امید از معرفت و شناخت نسبت به مبداء و معاد حاصل می‌شود و اساس همه تلاش‌های مفید و پرتمر انسانی و نیز منشاء اصلاح امور در جامعه و رسیدن شخص به سعادت ابدی است، اما ناامیدی و قطع امید نسبت به خداوند و روز قیامت، منشاء فساد و تبهکاری‌ها و منتهی شدن انسان به شقاوت ابدی است (مصباح یزدی، 1376: 11 / 385-400)؛ چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ؛ بگو ای بندگان من که به خود ستم کردید از رحمت الهی نومید نشوید، یقیناً خداوند همه گناهان را می‌آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است» (زمر/ 53). حضرت علی (ع) این آیه را امیدبخش‌ترین آیه از نظر رحمت و مغفرت خداوند در قرآن می‌داند و امید را در نهج البلاغه به نوع صادق و کاذب تقسیم

می‌کند و می‌فرماید انسان‌ها، به خصوص جوانان، در مواجهه با مشکلات و سختی دو گروهند (دهقانی رخ، 1390: 14) که هر یک از این دو گروه به نوعی از امید روی می‌آورند.

### الف - امید صادق

افرادی که در مقابل مشکلات و سختی‌ها ایستادگی می‌کنند و با عقل و اراده از پس فتح هر مشکلی سریع‌تر، به سوی مقصد جلو می‌روند دارای امید صادق هستند؛ یعنی انتظاری که با واقعیت وجودی انسان هماهنگ است، مانند امید به فضل و رحمت الهی که بیانگر این حقیقت است که رحمت خدا بی‌انتهای می‌باشد و از لطف اوست که نابود نمی‌گردیم. حضرت علی (ع) لزوم شکر و ستایش پروردگار و ناامید نشدن از رحمت بیکران الهی را ذکر می‌کند و تنها امید به خداوند را جایز می‌داند؛ زیرا هرگاه انسان، ناامید از غیر خدا گردد، رحمت الهی را دریافت می‌کند. ایشان در این باره می‌فرماید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ غَيْرَ مَقْنُوطٍ مِنْ رَحْمَتِهِ وَلَا مَخْلُوءٌ مِنْ نِعْمَتِهِ وَلَا مَأْيُوسٌ مِنْ مَغْفِرَتِهِ؛ ستایش خالص الله است، کسی از رحمت او مأیوس نشود و از نعمت‌های فراوان او بیرون نشود و از آمرزش او هیچ گناه کاری ناامید نشود» (نهج البلاغه، خطبه 45).

مکارم شیرازی در شرح این خطبه بیان می‌دارد: چگونه ممکن است کسی از رحمت الهی مأیوس شود در حالی که خودش می‌فرماید: «رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ؛ رحمت من همه موجودات را فراگرفته است» (اعراف / 156) (مکارم شیرازی، 1390: 2 / 502-503). در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نیز آمده است که در روز محشر خداوند آنچنان آمرزش و مغفرت می‌کند که به خاطر هیچ کس خطور نکرده باشد تا اینکه ابلیس هم به رحمت او طمع می‌کند (نراقی، 1389: 219).

عده‌ای هستند که اگر به خواسته‌ای که دارند نرسند چنان ناامید می‌شوند که زندگی خود را پایان یافته می‌دانند و این بزرگترین بلای جوان است. در این راستا، نظام‌های تربیت دینی باید جوانان را با رحمت و بخشش بیکران الهی و صفات رحمان و رحیم الهی آشنا کنند تا آنان با زمینه علاقمندی به دین، امید خود را تنها به رحمت الهی معطوف سازند. بنابراین



انسان در هر شرایطی که باشد باید به سوی خداوند بازگردد و از رحمت الهی مأیوس نشود؛ زیرا ناامیدی جزء بزرگترین گناهان کبیره است. از منظر روان‌شناسان نیز توجه و تکیه به خداوند بهترین روش مقابله با ناامیدی است (محلّاتی، 1388: 55). بنابراین انسان نباید امید خود را از دست بدهد، بلکه باید همیشه به لطف حق امید داشته باشد و از وضع موجود خودش ناراحت نباشد.

### ب- امید کاذب

کسانی که تحمل سختی‌ها و مشکلات را نداشته و چنان مأیوس و سردرگم می‌شوند که راه حل خود را دل سپردن به آرزوهای طولانی می‌دانند تا به وسیله آن به نوعی آرامش نسبی دست یابند، حال آنکه در واقع باعث هلاکتشان می‌شود، دارندگان امید کاذب هستند که از القانات شیطان بوده و رضای الهی در آن لحاظ نمی‌گردد. حضرت علی (ع) در این باره می‌فرماید: «وَ إِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ بِطُولِ آمَالِهِمْ وَ تَعْيِبِ آجَالِهِمْ حَتَّى نَزَلَ بِهِمُ الْمَوْعُودُ الَّذِي تُرَدُّ عَنْهُ الْمَعْزِرَةُ وَ تَرْفَعُ عَنْهُ التُّوبَةُ وَ تَحُلُّ مَعَهُ الْقَارِعَةَ الْقَارِعَةَ وَ النَّقْمَةَ؛ همانا آنان که پیش از شما زندگی می‌کردند به خاطر آرزوهای طولانی و پنهان بودن زمان اجل‌ها نابود گردیدند تا ناگهان مرگ وعده داده شده بر سرشان فرود آمد، مرگی که عذرها را نپذیرد و درهای توبه را ببندد و حوادث سخت و مجازات‌های پیش از مردن را فراهم آورد» (نهج البلاغه، خطبه 147، ص 271).

غفلت از عاقبت زندگی، بزرگترین دشمن سعادت بشر است؛ چراکه سبب می‌گردد حجاب ضخیمی در برابر دید عقلانی انسان کشیده شود و هوا و هوس بر او حاکم گردد و در نهایت غرق در شهوات شود. یکی از مهمترین اثرات امید کاذب آن است که انسان را از یاد مرگ غافل می‌سازد؛ زیرا اگر زمام امید به دست هدایتگر عقل باشد، حیات‌بخش است و اگر از مسیر آن خارج شود تحقق مطلوب نمی‌یابد و سرانجام آدمی را به هلاکت می‌رساند. آرزوهای دور و دراز و فراموش کردن پایان زندگی و غرق شدن در شهوات هم آخرت را

تباه می‌کند و هم دنیا را به باد می‌دهد و فرد را گرفتار عذاب‌های دنیوی می‌سازد. از دیدگاه حضرت علی (ع) آرزوهای دراز، غفلت از یاد مرگ را به دنبال دارد (مکارم شیرازی، 1390: 680/5). ابن میثم نیز آرزوهای طولانی را به «اسب سرکش» تعبیر کرده و بیان می‌کند: «انسانی که افسار اسب سرکشی را گرفته و سوار بر آن به سوی هدفش می‌تازد، عنان اختیارش را به دست مرکب خود داده است و اگر اسب به مانعی برسد او را سرنگون می‌کند» (ابن میثم، 1374: 248/5). دارنده آرزو نیز چنین است و اگر مرگش فرارسد، وی را از رسیدن به هدفش باز می‌دارد.

با توجه به آنچه که درباره امید کاذب و اثر منفی آن گفته شد می‌توان گفت، جوانان با استفاده از قدرت تخیل می‌توانند به صورت موقتی مشکلات خود را حل کنند و به نوعی آرامش نسبی دست یابند (شرفی، 1388: 62)، اما نباید فراموش کرد که بهترین راه دستیابی به آرامش و خلاصی از مشکلات، یاد خداوند است و از وظایف متصدیان امور دینی، شناسایی مرز امیدواری و خوش‌خیالی به جوانان است؛ چرا که جوانان سرشار انرژی هستند و افق‌های دوردستی را برای خویش ترسیم می‌کنند و همواره خطر غرق شدن در اوهام برای آنان وجود دارد. البته خیال‌پردازی همواره مضر نیست، بلکه موجب تقویت ذهن و خلاقیت‌های علمی و هنری آنان نیز می‌شود. اما لازمه این گونه آرزوها، جهت دادن به آنهاست، تا جوانان از مسیر حق گمراه نشوند؛ یعنی باید در همه برنامه‌ها به لزوم، واقع‌نگری و تفکرات تحقق‌پذیر تأکید کرد و با توجه به روحیه آرزومندی جوانان، آنها را نسبت به خطرات آرزوهای طولانی آگاه ساخت که ایجاد رابطه دوستانه میان مربی و متربی می‌تواند در این زمینه مفید باشد. بنابراین جوان نباید واقعیت‌ها را نادیده بگیرد، بلکه باید شکست‌ها و سختی‌های زندگی را بپذیرد و خود را فریب ندهد، زیرا گاهی اتفاقاتی رخ می‌دهد که انسان انتظار آنها را ندارد و پذیرششان برایش سخت است. در چنین شرایطی است که امید بستن به فرار از واقعیت‌ها تنها موجب فریب خود، کم شدن صبر و از بین

رفتن امید می‌شود و در این مسیر الگوهای دینی و اخلاقی و معلمان و مربیان می‌توانند به عنوان راهنما جوان را به سوی خداوند و پیشرفت تشویق کنند و حامی امیدبخش او باشند. البته باید امید، متناسب با ظرفیت روانی متربی در نظر گرفته شود؛ هر چه ظرفیت درونی و روانی متربی بیشتر باشد امیددهی تأثیر مطلوب‌تری خواهد داشت (یوسف‌زاده چوسری و شاه مرادی، 1397: 9).

### نقش رجاء در تربیت دینی جوانان

برخی از ویژگی‌های جوانان، ممتاز از سایر ویژگی‌هاست؛ مانند: امید، انرژی و ابتکار که به عنوان سه خصوصیت مهم و بارز جوانان می‌توان به آن اشاره کرد. در صورت هدایت صحیح این خصایص، جوانان می‌توانند در راه درست گام برداشته و استعدادها را خویشتن را به فعلیت خواهند رسانند. اگر امید با یاد و ایمان به خداوند همراه گردد، دارای آثار سودمندی در تربیت دینی خواهد بود که برخی از آن‌ها عبارتند:

#### 1- فعالیت هدفمند

جوان با داشتن هدف در زندگی می‌تواند با نهایت استفاده از فرصت طلایی جوانی خود که سرشار از انرژی و قدرت است، زندگی خویش را هدفمند سازد. رجاء مانند نیروی اجرایی برای حرکت بوده و عامل مستقیم تلاشها و رفتارهای انسانی است؛ چنانکه حضرت علی (ع) در خصوص مدعیان دروغین امیدواری می‌فرماید: «يَدْعِي بَرَعْمِهِ أَنَّهُ يُرْجُوا اللَّهَ كَذَبَ وَ الْعَظِيمِ، مَا لَهُ لَا يَتَّبِعُنَّ رَجَاوَهُ فِي عَمَلِهِ؛ به گمان خود ادعا دارد به خدا امیدوار است. به الله سوگند که دروغ می‌گوید! به او چه شده که امیدواری در کردارش ظاهر نمی‌شود» (نهج البلاغه، خطبه 160، ص 297).

مکارم شیرازی در شرح این خطبه می‌گوید: «اینکه حضرت علی (ع) تأکید می‌کند انسان تنها باید به خدا امید داشته باشد و این امید در اعمال و رفتار او نمایان باشد به این

دلیل است که مؤمن امیدوار، اعمال و رفتارش مطابق با تعالیم الهی است و کسی که به خدا ایمان و امید دارد، آرامش خاصی نصیب او می‌شود که در مقایسه با افراد دیگر در جامعه نمایان است» (مکارم شیرازی، 1390: 16/ 226 و 227). بیکاری برای جوانی که سرشار از خلاقیت و ابتکار است، عاملی برای ناامیدی در زندگی و مقدمه‌ای برای بسیاری از فسادها می‌باشد. جوانانی که در زندگی خود همواره با امید به خداوند و هدفمندی مشغول تلاش و فعالیت هستند، به خوبی می‌توانند از لحظات عمر خود استفاده کنند و هیچگاه احساس پوچی و بی‌ارزشی نمی‌کنند و دارای روحیه پرنشاطی هستند. حضرت علی (ع) نیز کسی را که برای هدف خود تلاش نمی‌کند و این تلاش در رفتار او دیده نمی‌شود «دروغگو» می‌خواند. بنابراین امید به خداوند اسباب کار و تلاش را فراهم می‌آورد که خود عاملی برای رستگاری دنیوی و اخروی است و از آنجایی که جوانی دوران سلامتی و قدرت بدنی است، امید به خداوند برای جوانان عاملی است که بتوانند از این نیروی خدادادی بهره بیشتری ببرند، چراکه خداوند جوان بیکار را دوست ندارد؛ چنانکه پیامبر (ص) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُغْضُ الشَّابَّ الْفَارِعَ؛ خداوند جوان بیکار را دوست ندارد» (قمی، 1414ق: 2/ 624).

## 2- توبه و دوری از گناه

امید به خداوند می‌تواند عاملی برای رستگاری و نجات جوانان و دوری از بسیاری از گناهان باشد؛ زیرا دوران جوانی، دوران طغیان غرایز و احساسات است و با رسیدن به سن بلوغ، تمایل جنسی و سایر خواهش‌های عاطفی در ضمیر جوانان به شدت بیدار می‌شود و این در حالی است که قدرت تعقل جوانان به کمال طبیعی خود نرسیده، بلکه در حال رشد است. در چنین شرایطی ممکن است جوانان با کمترین غفلت در پرتگاه سقوط قرار گیرند و ناامیدی از مغفرت خداوند باعث می‌شود که به خود جرأت انجام انواع گناهان را بدهند و با خود بگویند: «حال که مورد عذاب قرار خواهم گرفت، پس چرا خود را از لذات

و شهوات دنیا محروم سازم!» پیامبر (ص) می‌فرماید: «یا اباذر ما مِنْ شَبَابٍ يَدْعُ اللهُ الدُّنْيَا وَ لَهْوَهَا وَ أَهْرَمَ شَبَابُهُ فِي طَاعَةِ اللهِ إِلَّا أَعْطَاهُ اللهُ أَجْرَ اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ صِدِّيقاً؛ ای ابوذر جوانی که دنیا و خوشگذرانی‌های آن را به خاطر خدا ترک می‌کند و جوانی‌اش را در راه خدا و اطاعت خدا سپری می‌کند، اجر هفتاد و دو صدیق را خدا به او عطا می‌کند» (سلیمانی‌فر، 1383: 182). بنابراین جوانی که امید به خداوند دارد، دائماً او را یاد خواهد کرد و هر لحظه او را حاضر و ناظر اعمال خود می‌داند و برای کسب رضایت خداوند به انجام اعمال صالح می‌پردازد (ر.ک: کهف/ 110).

از این‌رو امید به خداوند زمینه ترک گناه و توبه را فراهم می‌سازد. امام سجاد (ع) تنها دری را که برای خود، در مقابل خداوند باز می‌بیند و موجب امید او می‌شود، توبه و اعتراف به گناهان در درگاه خداوند است و از این طریق نعمت‌های الهی را برای خود میسر می‌داند (الهی قمشه‌ای، 1380: 90). اما توبه و ترک گناه در جوانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چنانکه پیامبر (ص) می‌فرماید: «ما فِي الدُّنْيَا شَيْءٌ أَحَبُّ إِلَيَّ اللهُ عَزَّوَجَلَّ مَنْ شَابَ تَائِبٌ؛ هیچ چیز در دنیا نزد پروردگار دوست داشتنی‌تر از جوان توبه‌کار نیست» (مجلسی، 1403ق: 7/ 308).

اگر گناه در جوانی ریشه کن نشود در بزرگسالی ریشه‌دار شده و قابل علاج نخواهد بود و این به اراده و عزم جوان نیز بستگی دارد؛ زیرا زمانی که خداوند عزم و اراده جوان را مشاهده کند، او را یاری خواهد نمود، همانطور که درهای قفل شده به امر خداوند متعال در دوری و ترک گناه برای حضرت یوسف (ع) گشوده شد.

### 3- بی‌نیازی از مردم

امیدواری لازمه زندگی هر فردی است، اما جوانان باید بدانند که امید بستن به هر کسی یا هر چیزی مفید نیست. در نظام تربیت دینی تنها امید داشتن به خداوند و بریدن از غیر او جایز بوده و توصیه می‌شود؛ چراکه اگر چشم امید انسان به درگاه او باشد، چشم

طمع او از دیگران برداشته می‌شود. حضرت علی (ع) در این خصوص می‌فرماید: «قَدْ يَكُونُ الْيَأْسُ إِذْرَاكًا إِذَا كَانَ الطَّمَعُ هَلَاكًا؛ چه بسیار ناامیدی، از مردم که منجر به رسیدن به مقصد می‌شود، و چه بسیار امیدواری به مردم که موجب هلاکت می‌شود» (طاهرزاده، 1388: 209) و در جایی دیگر می‌فرماید: «رَجَاءُ اللَّهِ تَعَالَى فَإِنَّهُ مَدْخُولٌ، وَكُلُّ خَوْفٍ مُحَقَّقٍ إِلَّا خَوْفَ اللَّهِ فَإِنَّهُ مَعْلُولٌ؛ هر کس امیدوار باشد، امید در کردارش آشکار می‌شود، هر امید جز امید به الله ناخالص و نابجاست ...» (نهج البلاغه، خطبه 160، ص 297).

مکارم شیرازی در شرح این عبارت می‌گوید: «این سخن حضرت (ع) در ارتباط با افرادی است که بیشتر از خداوند به دیگران امید دارند و حتی اگر هم به خداوند امید داشته باشند، شرایط آن را به جا نمی‌آورند، زیرا اگر فردی به چیزی یا شخصی امید داشته باشد، دائماً او را یاد کرده و به او التماس می‌کند» (مکارم شیرازی، 1390: 6/227). جوان موحد همواره باید به این نکته توجه داشته باشد که اسباب همه کارها به دست خداست و هرچه از دیگری به او برسد، عامل اصلی آن خداست. چنین دیدگاهی گوهر امید به خداوند را در دل و جان تقویت می‌کند و سبب بی‌نیازی از مردم، استواری بنیان یکتاپرستی و نابودی زمینه‌های شرک می‌گردد. از اینرو به دیگران جز به چشم اسباب نمی‌نگرد که اگر غیر این باشد، گرفتار نوعی شرک نهان شده که مانع استجاب دعا می‌گردد؛ چنانکه امام صادق (ع) می‌فرماید: «هنگامی که یکی از شما از خدا چیزی بخواهد که به او بدهد، باید از مردم ناامید شود و جز به آنچه نزد خداست امید نداشته باشد، وقتی خداوند این را در دل او ببیند، به او هر چه بخواهد عطا کند» (حر عاملی، 1409ق: 9/449).

#### 4- آرامش

آرامش، راحتی فکر در زندگی است و حقیقتی مطلوب که اسلام آن را ستوده و راه‌هایی برای رسیدن به آن تعیین کرده است. یکی از عوامل رسیدن به آرامش در آیات و روایات، ذکر و امید به خداوند است؛ یعنی اینکه انسان در قصد و اراده خود استقرار داشته باشد و

هیچ‌گونه اضطراب و نگرانی را به خود راه ندهد. قرآن مجید بهترین راه کسب آرامش را ذکر خداوند معرفی کرده و می‌فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ آگاه باشید که دل‌ها با یاد خدا آرامش می‌یابد» (رعد/ 28).

جوان در پرتو امید به خداوند از قید بندگی غیر آزاد می‌گردد و هنگامی که با آن وجود الهی آشنا شده و خو بگیرد، غیر در نظرش کوچک می‌آید و هرگز از دست دادن یا به دست آوردن چیزی، او را دچار طوفان و غلیان نمی‌کند، بلکه به سوی هدف غایی و قرب الهی می‌کشانند و از این‌رو آرامش او محقق می‌شود.

آثار ایجاد آرامش را به طور کلی می‌توان چنین برشمرد:

#### الف - شفای قلب

مهمترین اثر امید به خداوند و داشتن آرامش، شفای قلب است. از آنجایی که حق‌پذیری و پاکی قلب و صفای باطن از دیگر ویژگی‌های جوانان است، بهترین زمان ممکن برای ارتباط معنوی با خداوند جوانی است؛ زیرا تعلقات دنیوی در قلب جوانان کمتر شکل گرفته و نیات پاکی دارند؛ چنانکه حضرت علی (ع) خطاب به فرزندش امام حسن (ع) می‌فرماید: «أَنْتَ مُقْبِلُ الْعُمْرِ وَمَقْتَبِلُ الدَّهْرِ، ذُو نِيَّةٍ سَلِيمَةٍ وَنَفْسٍ صَافِيَةٍ؛ در آغاز زندگی هستی و تازه به روزگار روی آورده‌ای، نیتی سالم و روحی با صفا داری» (نهج البلاغه، نامه 32، ص 525).

اگر امید به خداوند در قلب جوانی که هنوز آلوده به دنیا نشده جایی گیرد، قلب او از تمام ناراحتی‌های روحی و روانی پاک شده و به اصطلاح شفا می‌گیرد؛ چنانکه در روایات آمده است: «خداوند شفا بخش قلب‌هاست» (پاینده، 1386: 492) و در دعای شریف کمیل نیز بر آن تأکید شده و نام خدا «دوا» و یادش «شفا» خوانده شده است (قمی، 1389: 111). اگر جوان امید خداوند را در دل خود بپرورد، به هنگام بیماری‌های روحی و جسمی می‌تواند قلب خود را با امید به خداوند آرام سازد و اینجاست که امید به خدا در وجود او نهادینه می‌شود و جزء

صفات وجودی او قرار می‌گیرد و در نتیجه، رسیدن به کمال به‌عنوان هدف اصلی نظام تربیت دینی محقق می‌گردد.

### ب- دوستی با خداوند

یکی از ویژگی‌های جوانان این است که دوست دارند بیشتر وقت خود با دوستانشان سپری کنند و در این مسیر انتخاب یک دوست و همنشین مناسب، یکی از مهمترین مسائل است. اما از آنجایی که خداوند انسان را خلق کرده و به خوبی او را می‌شناسد و از مشکلات او آگاه است، بهترین دوست برای او محسوب می‌شود. پس هنگامی که تمام مشکلات اعم از مشکلات مالی و شغلی و عاطفی و ... به جوانان فشار بیاورد و آنان را در شرایط سختی قرار دهد، بدون شک تنها کسی که می‌تواند آنان را از این شرایط سخت و فشارهای روانی نجات دهد، خداوند و امید به اوست؛ چنانکه قرآن مجید می‌فرماید: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ؛ مرا بخوانید تا اجابت کنم شما را» (غافر / 60). امید به خداوند در جوانان سبب می‌شود که همواره در وجود خود، خداوند را به‌عنوان یک تکیه‌گاه محکم احساس کنند و بدانند که خدایی هست که آنها را هیچگاه تنها نخواهد گذاشت و همین امر سبب سلامت و نشاط روح و روان آنان می‌شود.

### 5- آینده‌نگری

تعالیم اسلامی یکی از خصوصیات انسان را آینده‌نگری می‌داند که این ناشی از خوف و رجاء و حس کنجکاو بشر است؛ یعنی اگر انسان احساس کند چیزی در آینده به ضرر اوست از آن خوف خواهد داشت و در غیر این صورت به آن امیدوار خواهد بود. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «يُرْجَى مِنَ رَجْهِ الْعُمْرِ مَا يُرْجَى مِنْ رَجْعِهِ الرَّزْقِ. مَا فَاتَ الْيَوْمَ مِنَ الرَّزْقِ رُجِيَ غَدًا زِيَادَتُهُ وَ مَا فَاتَ أَمْسٍ مِنَ الْعُمْرِ لَمْ يُرْجَ الْيَوْمَ مَرَجْهَتُهُ الرَّجَاءُ مَعَ الْجَائِي وَالْيَأْسُ مَعَ الْمَاضِي؛ امیدی به بازگشت عمر نیست، در حالی که امید به بازگشت روزی می‌باشد. آنچه امروز از دست رفته ممکن



است فردا افزوده شود، ولی آنچه دیروز از عمر گذشته، امروز امیدی به بازگشت آن نیست» (نهج البلاغه، خطبه 114).

مکارم شیرازی در شرح این خطبه می‌نویسد: «این یک حقیقت مهم است که ساعات عمر قابل بازگشت نیست و انسان باید نسبت به آن سختگیر باشد، نه نسبت به اموری که اگر امروز از دست رفت قابل بازگشت است. در حالی که غالب مردم برخلاف این امر قدم برمی‌دارند و با از دست رفتن اندکی از دنیایشان فریاد به آسمان سر می‌دهند، اما به خاطر از دست رفتن روزها و سال‌های عمرشان تأسف نمی‌خورند و این عجیب است!» (مکارم شیرازی، 1390: 360/4). مقام معظم رهبری نیز می‌فرماید: «برای برداشتن گامها استوار در آینده باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت» (خامنه‌ای، 1397: 10). بنابراین از آنجا که جوانان در زندگی آرمان طلب هستند و بیشتر در دنیای خیال سیر می‌کنند ممکن است این ویژگی آنان را از آینده پیش رو دور سازد و زمانی به خود بیابند که دیگر دیر شده باشد، در حالی که امید به خداوند سبب می‌شود که جوانان نیز همواره به فکر آینده خود باشند؛ زیرا جوانی که امید به خداوند در قلب او نقش بسته به خوبی می‌داند که زندگی فقط شامل این دنیای مادی نیست، بلکه جهان دیگری وجود دارد که باید برای رسیدن به آن تلاش کند.

## 6- صبر

صبر از جمله فضایل اخلاقی است که از آثار برجسته امید به خداوند نیز محسوب می‌شود و در روحیه جوانان و زندگی فردی و اجتماعی آنها بسیار مؤثر است. توصیه قرآن به انسان‌ها در برابر مشکلات این است که صبر پیشه کنند و آنان را به واسطه کسب پاداش الهی امیدوار می‌سازد (ر.ک: بقره/ 155). بهترین الگو برای جوانان در این زمینه، پیامبران الهی (ع) و اهل بیت (ع) هستند. از آنجا که جوانان در اوج قدرت و شکوفایی استعدادها هستند، بسیاری از مشکلات آینده را حل خواهند کرد، اما در این میان تا راهگشایی باید

صبر پیشه کنند. در واقع دعوت به صبر از جمله مواردی است که در تربیت دینی جوان مؤثر است و می‌تواند او را به آینده امیدوار سازد.

### راهکارهای افزایش امید در جوانان

امیدواری برای جوانان بسیار مهم است؛ زیرا کلید کامیابی دنیای جوان بر پایه امید است و موفقیت و پیشرفت‌های او به خاطر این لطف الهی است که می‌تواند با استعدادها و پتانسیل‌هایش از موانع و تنگناهای روزگار عبور کند. نخستین توصیه مقام معظم رهبری به جوانان «امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است که بدون این کلید اساسی همه قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت» (خامنه‌ای، 1397: 8). همچنین حضرت علی (ع) می‌فرماید: «هر چه امید دارید به خدای سبحان داشته باشید و به کسی جز او امید مبنیدید، زیرا هیچ کس به غیر از خدای تعالی امید نیست، مگر آنکه ناامید برگشت» (فاضلی، 1380: 17). حال از جمله راهکارهای افزایش امیدواری می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

#### 1- توکل به خداوند همراه با پشتکار

توکل به خدا از آموزه‌هایی است که در زندگی انسان تأثیر شگفت‌انگیزی دارد؛ به این معنی که انسان باید آنچه را حد توان دارد انجام دهد و نتیجه کارها و امور را به خداوند واگذار نماید؛ زیرا توکل به انسان جرأت اقدام و عمل می‌دهد و باعث برداشته شدن موانع از سر راه آدمی می‌شود؛ چنانکه امام صادق (ع) به ابوطیاره (بازرگان کوفه)، زمانی که تمام اموال خود را از دست داده بود و مشکلات مالی او را ناامید کرده بود فرمود: زمانی که به کوفه بازگشتی به دکان خود برو، آن را تمیز کن و قبل از انجام فعالیت دو رکعت نماز بخوان و بعد از آن بگو: «خدایا من به نیروی شکست خورده خود متکی نیستم. تنها تکیه‌گاه من قدرت توست و از تو تمنای گشایش روزی دارم». ابوطیاره می‌گوید: اینقدر این کار را انجام دادم تا توانستم تمام اموال از دست رفته خود را به دست آورم (فلسفی، 1382: 525). بنابراین جوانی که در همه

کارها خداوند را عامل اصلی همه امور بدانند و بفهمند اگر او بخواهد هر کاری شدنی است، آنگاه به عامل دیگری دل نخواهد بست و امید به موفقیت در او تقویت خواهد شد.

## 2- گرایش به معنویات

برخی از پژوهش‌های روان‌شناسی معاصر یکی از عوامل مؤثر در امیدواری فرد را توجه به معنویات برشمرده‌اند؛ زیرا با یاد خداست که دل آرام و امیدوار می‌گردد. هانری لینک (روانشناس آمریکایی) می‌گوید: «در نتیجه تحقیقات طولانی به این نتیجه رسیدم کسی که با دین سر و کار داشته باشد و به عبادت بپردازد، آنچنان شخصیتی قوی و نیرومند پیدا می‌کند که هیچگاه یک فرد بی‌دین نمی‌تواند چنین شخصیتی را به دست آورد» (قائمی و همکاران، 1395: 57). لذا گرایش‌های معنوی از قبیل یاد خدا، چنان روحیه مضاعفی به جوان می‌دهد که کمتر دچار خطا می‌شود و همواره پر از نشاط و انگیزه بوده و امید در او موج می‌زند و دیگری از همنشینی با او خسته نمی‌شود، چراکه داری شخصیتی قوی و روحی بزرگ است. در مقابل اکثر جوانانی که به پوچ‌گرایی می‌رسند کسانی هستند که به یاد خدا نبوده و توجهی به معنویات ندارند، از این‌رو بعد از مدتی بی‌انگیزه و ناامید می‌شوند و در نتیجه زندگی و پیشرفت‌های خود را غیرممکن می‌دانند و دست از تلاش برمی‌دارند و خود را در بیراهه رها می‌سازند.

## 3- توجه به نعمت‌های الهی

خداوند به عنوان وجود مطلق که همه امور به دست اوست به تمامی بندگان خود نعمت‌هایی ارزانی داشته است که یادآوری آنها به جوانان در شرایط سخت زندگی، می‌تواند آنها را به زندگی و آینده پیش رو امیدوار کند. جوانان با ایجاد قدرت تحول در زندگی نباید سختی‌ها را برای خود بزرگ کنند و از آن بترسند. امام هادی (ع) ابوهاشم جعفری را که در تنگنای شدیدی بود با ذکر نعمت‌های الهی امیدوار ساخته و فرمودند: «کدام یک نعمت‌های خدا را می‌خواهی شکر کنی؟» سپس آن حضرت (ع) یکی پس از دیگری

نعمت‌های الهی را برای او بازگو کرد و وی را با آنچه در حال حاضر داشت آشنا کرد و به او فهماند آنچه دارد، بیشتر از آن است که ندارد؛ زیرا همواره در کنار هر نعمتی، نعمتی است (پیوندی، 1391: 87). جوانان باید بدانند که زندگی بستری از خار یا باغی از گل‌های سرخ است، اینکه زندگی را از چه زاویه‌ای ببینند مهم است. اگر زندگی را همواره پر از خار بدانند و فقط به سختی‌های آن بنگرند، نه تنها امید در آنان شکل نمی‌گیرد بلکه همواره دید منفی به زندگی خواهند داشت و برعکس اگر در زندگی ناامیدی را کنار زده و به این فکر باشند که برخی از دارایی‌هایی آنان آرزوی دیگران است به زندگی دید مثبت داشته و به آینده امیدوار و همواره شکرگذار خواهند بود.

#### 4- انتظار فرج

انتظار فرج از مباحث مهم شیعه و مهمترین عامل پویایی و امید به آینده روشن جهان شمرده می‌شود. همین که بدانیم امام (ع) حاضر و ناظر بر اعمال ماست، این می‌تواند احساس تکیه‌گاه و پشتیبان را در زندگی برای ما تأمین کند. به عبارت دیگر، هدف اصلی از انتظار فرج، زنده نگه داشتن روحیه امید، نشاط و پیوند با امام موعود است (حاتمی، 1385: 169). اگر جوانان در زندگی خود این تکیه‌گاه و پشتیبانی را احساس کنند، به خوبی می‌توانند امید را در زندگی خود افزایش داده و به موفقیت‌های بسیاری دست یابند.

#### نتیجه‌گیری

جوانان عناصر مهم هر جامعه‌ای هستند که غفلت از تربیت دینی آنها موجب خسران در آینده خواهد شد و از آنجایی که دشمنان دین با تبلیغات مایوس‌کننده، سعی در کمرنگ کردن مسائل دینی و تضعیف روحیه جوانان دارند، پرداختن به امید در قالب تعلیم و تربیت دینی قابلیت آن را دارد تا زمینه رشد امیدواری حقیقی را، که همان داشتن امید به خداوند و رحمت اوست، در زندگی جوانان فراهم سازد. اگر جوامع اسلامی و مربیان دینی، جوانانی را که به خاطر نداشتن امید در زندگی به پوچی رسیده‌اند با امید به خداوند

در زندگی فردی و اجتماعی به آینده‌ای روشن راهنمایی کنند و این امیدواری را در قلب آنها نهادینه کنند، می‌توانند آنان را برای حضور هرچه پررنگتر و بانشاطتر در اجتماع آماده سازند و جوانان نیز با روحیه معنوی و هدفمند خود که سرشار از عشق و امید به خداوند است، موفق و بارآده و پشتکار در جامعه حضور یابند و خداوند نیز تلاش و پشتکار آنان را بی‌نتیجه نخواهد گذاشت.

### فهرست منابع

1. قرآن مجید.
2. نهج البلاغه، ترجمه دشتی محمد، قم: دفتر نشر الهادی، 1379.
3. آذربایجانی، مسعود؛ شجاعی، محمدصادق، روان‌شناسی در نهج البلاغه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1397.
4. آخوندی، مصطفی، «جایگاه امید در پویایی انسان‌ها»، فصلنامه مریبان، ش 19، 1387.
5. ابوطالبی، مهدی، تربیت دینی از نگاه امام علی (ع)، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1388.
6. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، تحقیق و ضبط عبدالسلام هارون، قم: دار الکتب العلمیه، 1404ق.
7. ابن میثم بحرانی، شرح نهج البلاغه، ترجمه محمدرضا عطایی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ج5، 1374.
8. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارالسلام، 1414ق.
9. الهی قمشه‌ای، محمد مهدی، ترجمه صحیفه سجادیه، قم: کاتبان وحی، 1380.

10. بنایی، سیدحسن، «مبانی اندیشه‌های تربیتی امام خمینی (ره) و اندیشه‌های اخلاقی عرفانی»، مقالات اخلاقی 1، تهران: مؤسسه تنظیم نشر و آثار امام خمینی (ره)، 1382.
11. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار رسول اکرم (ص))، تهران: دنیای دانش، 1386.
12. پیوندی، محمدرضا، راه و رسم جوانی، قم: انتشارات زمزم هدایت، 1391.
13. حاتمی، محمدرضا، «تجلی امید در فرهنگ مهدویت»، فصلنامه مشرق موعود، ش 1، 1358.
14. حر عاملی، محمد بن حسین، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، 1409ق.
15. خاری آرنی، مجید، «بررسی مفهوم امید در روایات و نقش آن در تربیت انسان»، پژوهش‌های تعلیم و تربیت اسلامی، ش 11، 1394.
16. خامنه‌ای، سید علی، «برخورد شایسته با جوانان در نگاه و آینه رهبر انقلاب اسلامی آیت الله خامنه‌ای»، تهران: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، 1380.
17. -----، «بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به مردم ایران»، 1397.
18. خمینی، روح الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، 1377.
19. داوودی، محمد، نقش علم در تربیت دینی، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، 1384.
20. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران، 1377.
21. دهقانی رخ، علی اکبر، «امید در نهج البلاغه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم و حدیث، دانشگاه علوم و حدیث، 1390.
22. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دار العلم، 1412ق.
23. زهادت، عبدالمجید، تعلیم و تربیت در نهج البلاغه، قم: بوستان کتاب، 1387.

24. سلیمانی فر، لیلا، بررسی شخصیت جوان از دیدگاه قرآن، حدیث و علم روانشناسی، تهران: فرهنگ مکتوب، 1383.
25. شرفی، محمدرضا، جوان و بحران هویت، تهران: انتشارات سروش، 1388.
26. طاهرزاده، اصغر، فرزندانم این چنین بود، شرح نامه 31 نهج البلاغه، اصفهان: لب المیزان، 1388.
27. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ج 17، قم: دفتر انتشارات اسلامی، 1386.
28. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، بیروت: دارالتعارف، 1410ق.
29. فاضلی، رحمت، امید و آرزو از دیدگاه قرآن و عترت، قم: انتشارات طاووس بهشت، 1380.
30. فلسفی، محمدتقی، بزرگسال و جوان، انتشارات دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، 1382.
31. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم: انتشارات هجرت، 1410ق.
32. قائمی، علی، پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، 1373.
33. قائمی، مرتضی، یزدان بخش، کامران؛ امیریان، طیبه، «عوامل، ناامیدی و راهبردی انگیزشی نهج البلاغه و درمان آنها»، پژوهشنامه نهج البلاغه، ش 1، 1395.
34. قمی، شیخ عباس، کلیات مفاتیح الجنان، ترجمه الهی قمشهای، قم: انتشارات کاتبان وحی، 1389.
35. -----، سفینه البحار و مدینه الحکم و الاثار، تهران: انتشارات فرهانی و دارالاسوه، 1414ق.
36. لطف آبادی، حسین، روان شناسی رشد، تهران: سمت، 1376.
37. محلاتی، فهیمه، افسردگی و راههای پیشگیری و درمان آن، تهران: انتشارات احسن، 1388.
38. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، قم: انتشارات مکتبه الاسلامیه، 1403ق.

39. مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، تحقیق محمدحسین اسکندریان، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، 1376.
40. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب، 1360.
41. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: صدرا، 1357.
42. مکارم شیرای، ناصر، پیام امام امیر المومنین (ع)، (شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه)، با همکاری جمعی از فضلا و دانشمندان، تهران: دار المکتب الاسلامیه، ج2، 4، 5، 1390.
43. مهیار، رضا، فرهنگ عربی فارسی، معاصر، بی جا، بی تا.
44. نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، قم: بهار دلها، 1389.
45. نائی، مجید؛ علمی، قربان، «مقایسه رجاء در قرآن و مزامیر»، سراج المنیر، ش 12، 1395.
46. یوسفزاده چوسری، محمدرضا، «تحلیل مؤلفه‌ها و مصادیق امیدواری در نهج البلاغه»، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ش 1، 1397.